

روایت مقاومت مردمی در برابر کشف حجاب رضاخانی

۱۹ دی ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۱

رضا شاه قانونی را در ۱۷ دی ۱۳۱۴ تصویب کرد که بموجب آن، زنان و دختران ایرانی از استفاده از چادر، روبنده و روسری منع شدند.

در سال ۱۳۱۳ رضا خان عازم ترکیه شد و با مشاهده تغییراتی که رژیم لائیک ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاتورک در جهت غربی کردن جامعه مسلمان ترکیه اجرا کرده بود، تحت تاثیر قرار گرفته و شدیدتر از گذشته در راستای اسلام زدایی و بویژه حجاب زدایی گام برداشت. در بهمن ۱۳۱۳، در افتتاح دانشگاه تهران، به دختران دستور دادند که بدون حجاب به تحصیل مشغول شوند. اقدامات رضاخان در این جهت، واکنش و مخالفت های زیادی از سوی مردم به رهبری روحانیت را باعث شد که از جمله مهمترین آنها می توان به سرکوب قیام مسجد گوهرشاد و کشتار مردم مظلوم اشاره کرد. حدود شش ماه پس از فاجعه مسجد گوهرشاد، رضا خان با بی اعتنایی به علما و مردم، در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در جشن فارغ التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران، قانون کشف حجاب زنان را به طور آشکار و رسمی اعلام کرد و خود به اتفاق همسر و دخترانش که بدون حجاب بودند، در این جشن که به ابتکار علی اصغر حکمت، وزیر معارف و فراموسونر معروف تشکیل گردید، شرکت و سخنرانی کرد و دوره ای سیاه برای زنان ایران در تاریخ شروع شد. ماموران رضاخان در اجرای این قانون، شب و روز در کوچه ها و خیابان ها گشت می زدند و هر جا زن باحجابی را می یافتند، با خشونت چادر و روسریش را برمی داشتند و مردها را مجبور می کردند تا زن هایشان را سر برهنه به خیابان ها و مجالس ببرند.

بنابراین گزارش، مقاومت مردمی را به روایت بازماندگان این قیام در سطور زیر می خوانید.

دیدم که لشکرهای سواره تمام آستانه را محاصره کرده اند. رفتم طلبه ها را جمع کردم و گفتم رفقا مبادا کسی بیرون برود خیلی شلوغ است می خواهند اول شما را سرکوب کنند، شما توی مدرسه بروید و درها را ببندید.

حاج محمدحسن را فرستادم خبر بیاورد. بعد از حدود دو ساعت آمد و گفت در حدود هفتاد، هشتاد نفر از مردم را کشتند. مردم باز اجتماع کردند. به بیرون هم خبر رسید و جمعیتی هر روز اضافه می شدند.

در خیابان تهران که مقابل آن موزه بود، تا هر جا که چشم کار می کرد توپ سوار کرده بودند، توپ های بزرگ لشکر به طرف مسجد

بود و مردم هم توی مسجد بودند.

یک دفعه دیدم درهای مسجد شکسته شد، گویا اینها همه درهای مسجد را یک مرتبه شکاندند و با اسلحه‌های گرم وارد شدند. آن زمان مردم مهیا بودند که اگر حمله بشود، بجنگند. جمعیت آنقدر زیاد بود که مسجد جا نداشت. یک مرتبه از پشت بام‌ها و از رو به رو با مسلسل به مردم شلیک کردند. تحقیقاً هر قدمی که برمی‌داشتم هفت، هشت تیر از اطراف سرم رد می‌شد.

ما دستگیر شدیم، ما را با چهل نفر از زخمی‌ها به شهربانی می‌بردند. همه ما قطع بر این داشتیم که با این وضعیت ما را می‌برند جایی نغله کنند. ما را به بیابان‌های اطراف شهر بردند، زندان جدیدی بود که تا آن زمان ندیده بودیم.

از چهارتا پلیس می‌ترسید؟!

نواب احتشام رضوی، از خادمان مشهور حرم که دو ماه پیش از آن ملبس به لباس روحانی بود، در صحن مسجد ظاهر شد و پس از ورود به کشیک‌خانه، با بهلول گفت‌وگو کرد. لحظاتی بعد که از بهلول شنید آیت‌الله قمی نیز در تهران بازداشت شده است، به میان مردم و تجمع‌کنندگان در مقابل کشیک‌خانه مراجعه کرد و با صدای بلند فریاد زد: «ای مردم بی‌غیرت نزدیک پنج‌هزار نفر، از چهار تا پلیس محافظ بهلول می‌ترسید؟! بریزید و عالم خود را آزاد کنید. لعنت بر کسی که این کلاه را بر سر ما گذاشت»، سپس کلاهش را از سر برداشت و زیر پا انداخت و با ندای «یا حسین! یا حسین!» به کشیک‌خانه حمله کرد. حاضران نیز که تا این لحظه با حیرت این صحنه‌ها را مشاهده می‌کردند، به هیجان آمدند و به تبعیت از او به طرف کشیک‌خانه هجوم آوردند و بهلول را آزاد کردند.

آتشی که نمی‌سوزاند!

یک فرد سید بوده است که به شهر آمده است. پاسبان‌ها ایشان را گرفته‌اند که چرا کلاه پهلوی نمی‌گذارد (سید برات علی حسینی) به جای عمامه - دکان آهنگری بوده است. گاو آهن را در کوره گذاشته بودند. حاج آقا گاو آهن داغ را بر می‌دارد و دنبال آن‌ها می‌کند و تا کلانتری دنبال آن‌ها می‌دوند. رئیس کلانتری گاو آهن را روی دست آهن می‌گذاشتند. دست آن‌ها روی گاو آهن گذاشته بودند. آتش دست این سید را نمی‌سوزاند. هر کس تب و لرز داشته است بر قبر ایشان مراجعه می‌کنند و بهتر می‌شده‌اند. (عبدالحسین راستین)

رشوه برای حفظ حجاب!

مادر شوهرم از پدرش تعریف می‌کرد که پدرم مغازه دار بود. آجان‌ها چادرها را در می‌آوردند از سر زنان و جلوی مغازه آتش می‌زدند. پدرم به آجان‌ها رشوه می‌داده که حداقل چادرها را آتش نزنید. چادرها را به داخل مغازه می‌آورد و دوباره به صاحبانش

سیدرضا حسینی(سعدی زمان)، که خود از شاهدان عینی این واقعه بوده این گونه سروده است:

چه نسبت بدین روضه‌ی رشگ جنت

کند کافری هتک حرمت خدا را؟

سر و دست زوآر افتد ز پیکر

رود از رواق حرم خون چو دریا

یکی جان به لب در زبان ذکر یارب

یکی اشگریزان به سر تیغ برآ

دهد کودکان جان در آغوش مادر

شود روضه‌ی شاهدین پر ز غوغا

دربانان حرم مطهر اجازه ورود بانوان محجبه را نمی دادند. به همه نیروهای نظامی دستور داده شد: «از ظرفیت و عاظ و پیشوایان دینی برای آگاه کردن مردم از مخالف مذهب نبودن کشف حجاب استفاده کنند. وعظ کنندگانی که این دستور را عملی نکنند جلب و تنبیه شوند.»

جمله رضاخان که قیام و اعتراض مردم را در پی داشت: «ما باید صورتا و سنتا غربی شویم و باید در قدم اول کلاه ها تبدیل به شاپو بشود.»

تعداد شهدای قیام بین ۸۰ تا ۱۵۰۰ نفر نقل شده‌اند، که به گفته شاهدان عینی آنها را با ۵۶ کامیون از صحنه کشتار خارج کردند و به صورت دسته جمعی در چهار قبرستان مشهد بدون اطلاع خانواده‌هایشان تدفین نمودند.

چهار قبرستان در مشهد وجود دارند که پذیرای بدن مطهر این شهدا هستند: میدان شهدای گوهرشاد(پنجراه) مرکز بهداشت، سه

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۳۲۵/روضاخانی-حجاب-کشف-برابر-مردمپ-مقاومت-روایت/>